



در مقابل اتحاد و یکپارچگی  
ملت و وقت شناسی آن‌ها در  
برابر تجاوز رژیم صهیونیستی  
سر تعظیم فرود  
می‌آوریم.

# اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری



■ سال پانزدهم  
■ شماره ۱۶۹  
■ خرداد ۱۴۰۴

سال پانزدهم | شماره ۱۶۹ | خرداد ۱۴۰۴

نشریه داخلی اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری

علیرضا حیدری:

## اشتباهی صورت گرفته، باید حتماً و به هر قیمتی که شده بانک رفاه مجدداً به خانواده تأمین اجتماعی برگردد

صفحه ۵

دکتر داریوش طاهر خانی مدیر  
درمان تأمین اجتماعی استان  
البرز بر ضرورت اجرای نظام  
ارجاع تأکید کرد

صفحه ۶

آیا شارلاتانیسم تنها راه موفق  
شدن است؟  
همش تقصیر مادرهاست؟

صفحه ۷

بازسازی همه جانبه  
داستان زیبای "دعای مادر"

صفحه ۲

ضرورتی بر بیدارسازی  
بانک رفاه را به تأمین  
اجتماعی برگردانید

صفحه ۳

مجلس حتماً مصوبه واگذاری  
بانک رفاه را ابطال کند  
قانونی که در آن عدالت رعایت  
نشود شرافت ندارد

صفحه ۴

پرداخت حقوق از بیستم  
هرماه سالانه حدود ۳ همت  
برای سازمان تأمین اجتماعی  
هزینه دربرداشت



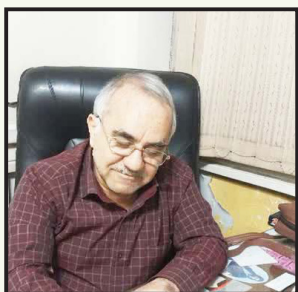
عزادار سید و سالار شهیدان و سرور آزادگان عالم امام حسین (ع) هستیم

سید مجتبی قریبشیان

به قلم سردبیر

نگاه اول

### دربدر به دنبال گوش شنوا



بنام خدای سمیع و بصیر

بانک رفاه این حق مسلم و شرعی و قانونی کارگران بانکی که ۱۰۰٪ سرمایه آن، از محل پرداخت حق بیمه‌های کارگران و کارفرمایان تأمین شده است، به غلط و اشتباه ذیل سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی قرار گرفته و به همین دلیل مشمول واگذاری شده است. امری که بیش از هر چیزی برای جامعه کارگری و بازنشستگان، اضطراب، دلهره و نگرانی ایجاد کرده است چون آنها سرمایه‌ای را که سالها با خون دل و عرق جبین اندوخته‌اند در معرض خطر و آسیب جدی می‌بینند و بیم آن دارند که این سرمایه از دست برود و آینده‌ی اقتصادی خانواده‌های آنها را در هاله‌ای از ابهام فرو برد و در این اوضاع نابسامان اقتصادی بر معیشت آنها اثر سوء گذاشته و قوت لایموت آنها را به مخاطره اندازد. کارگران و بازنشستگان این جماعت مظلومی که توانی برای فریاد زدن، نداشتن اکثریت قریب به اتفاق اوقات صدای نیغیشان به گوش مسئولان و دست اندرکاران یا اصلاً نمی‌رسد و یا بصورت گنگ و نامفهوم می‌رسد، شوربختانه این طور به نظر می‌رسد که گوش شنوایی وجود ندارد. صدا البته که نباید از پیگیری مطالبات به حق کارگران و بازنشستگان و در صدر آنها عودت بانک رفاه به دامن خانواده بزرگ تأمین اجتماعی ناامید شد، و دست از تلاش برداشت. مسلمانان پیگیری‌ها نتیجه خواهد داد، اما اینکه این امر مسبقاً به سابقه است. بعضی از صاحبزنان و نخبگان جامعه کارگری برای بازگرداندن به نظر بخش قابل توجهی از نمایندگان مجلس که در مقطعی تصویب کردند که بانک رفاه ذیل سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی قرار گیرد اکنون تغییر پیدا کرده است و متوجه اشتباه خود شده‌اند بطوریکه اگر این آگاهی‌ها را در مقطع تصویب این قانون داشتند رای به قرار گرفتن این بانک ذیل سیاست‌های اصل ۴۴ نمی‌دادند. الان این آمادگی وجود دارد که با پیگیری فعالین جامعه کارگری و بازنشستگان، توسط نمایندگان مجلس و از طریق اصلاحیه قانونی و یا سران قوا از طریق مصوبه‌ای، این بانک را مجدداً به آغوش صاحبان اصلی برگردانند.

عزیزان و مسئولین تشکلات کارگری و بازنشستگان اکنون مسئولیت بسیار خطری به عهده شماست:

حال که شرایط مساعد و فراهم است با تمام توان سعی کنید و از کلیه ظرفیت‌های قانونی و بل قوه خود استفاده کنید، تا از طریق ایجاد ارتباط معقول و منطقی و قوی با سران قوا، و نمایندگان مجلس، یا سران قوا مصوبه‌ای را تصویب کنند و یا نمایندگان مجلس اصلاحیه را مبنی بر صلاح قانون قرار گرفتن این بانک ذیل سیاست‌های اصل ۴۴ مصوب کنند، تا با بازگشت این بانک به تأمین اجتماعی، این قشر مظلوم و محروم از نگرانی و دلهره خارج شوند.

لطفاً به صدای این جماعت مظلوم و محروم و خاموش گوش کنید:

نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، مسئولین محترم دولتی دست اندرکاران مربوطه، خواهشاً به صدای این قشر زحمتکش که پناهی جز خدا ندارد گوش کنید و به توصیه‌های کارشناسان و دلسوزان و ریش سفیدان و استخوان خورده‌های جامعه کارگری و بازنشستگان گوش کنید و قبل از اینکه دیر شود به توصیه‌های خیر خواهانه آنها که چیزی غیر از حق و حقوق قانونی خودشان نمی‌خواهند عمل کنید. با توجه به اینکه در ایام عزای داری سرور و سالار آزادگان عالم امام حسین (ع) قرار داریم لازم است آخرین وصیت امام را به فرزند برومندشان امام سجاد را که اتفاقاً ارتباط زیادی با بحث مور نظر ما دارد، به مسئولین امر که در نظام اسلامی مسئول شده‌اند، ایاد آوری کنم

یا بنی ایاک وظلم من لا یجد علیک ناصر الا الله

ای فرزندانم، از ظلم به کسی که در برابر تو، هیچ یاری‌کننده‌ای به جز خدا ندارد بر حذر باش  
یادمان و یادتان نرود که خدا هست!

حسن صادقی

سخن مدیر مسئول

نگاه روز

### در تصویب قوانین ضعیف بودیم

#### انگیزه کار از بین رفته و همه دنبال بازنشستگی هستند

در کشور ما، در حین تصویب قوانین به گونه‌ای عمل می‌شود که راه فرار و سواستفاده باز می‌ماند. این مشکل را نه تنها در این قانون که در قوانین مالیاتی، گمرکی و حتی تجاری نیز می‌توانیم مشاهده کنیم.

در زمان تصویب این قانون در سال ۸۰ «یکسری مشاغل وجود داشته و الان هم موجود هستند که همواره سخت بوده هستند، مانند کار در معدن که تا با ربات جایگزین نشود، کاری دشوار و سخت خواهد بود. مشاغل دیگری مانند رانندگی یا عکاسی این طور نیستند و می‌توان با اصلاحات از زیان آوری آنها کاست. ما باید در یک پروسه پنج ساله وقت می‌دادیم که بخشی از این مشاغل، مشکل زیان آوری خود را حل کنند اما مجلس به چنین اقدامی تن نداد.»

امروز ما شاهد انواع سواستفاده‌ها از این قانون هستیم طوری که بخش مهمی از نیروی کار کشور در سنین ۳۹ تا ۴۵ سالگی بازنشسته می‌شوند. حتی گفته می‌شود ۵۲ درصد بازنشستگان در سال گذشته در چارچوب این قانون، بازنشسته شده‌اند. یعنی کاری کرده‌ایم که همه تمام تلاش خودشان را می‌کنند که از این ماده قانونی بهره‌مند شوند. از منشی مدیرعامل گرفته تا عکاس یا نگهبان یک واحد صنعتی و حتی پیشمنز کارخانه هم به استناد همین قانون بازنشسته شده‌اند.

باید با یک اجماع فوری جلوی سوءاستفاده گرفته شود. ما به دست خود و با قوانینی که به تصویب رساندیم کاری کردیم که وضعیت فعلی به وجود بیاید. باید از کسانی که به مشاغل خاص که سخت و زیان آور هستند مانند معدن حمایت‌های کافی صورت بگیرد ولی به این بهانه نباید زمینه انواع سرفشار فراهم شود. به طور خاص باید بند الف قانون مشاغل سخت و زیان آور اجرا شود و کارفرمایان از سطح زیان آوری مشاغل کم کنند.

بخش مهمی از ۵۲ درصد بازنشسته‌ای که در سال گذشته در چارچوب قانون مشاغل سخت و زیان آور بازنشسته شده‌اند، سقف حقوق‌ها که معادل ۷۲ میلیون تومان را می‌گیرند و در طرف دیگر اکثریت قاطع ۴۸ درصدی که به شکل عادی بازنشسته شده‌اند حداقل مستمری را دریافت می‌کنند. رویه حاکم بر فضای کار کشور قابل انتقاد است زیرا همه یاد گرفتند در دو سال آخر حقوق‌های خود را بالا می‌برند تا در زمان بازنشستگی بیشترین دریافتی را داشته باشند. درواقع نه تنها قانون مشاغل سخت و زیان آور که حتی ماده ۷۶ قانون تأمین اجتماعی هم به سخره گرفته شده است. همان موقعی که قانون نوشته شد این اشتباه را مرتکب شدند و زمینه این سوءاستفاده را فراهم کردند.

اینکه هرکس امکان توافق با کارفرما را ندارد، و آن ۵۲ درصد مورد بحث، بیشترین دریافتی را دارند و آن ۴۸ درصد دیگر از محروم‌ترین بازنشستگان کشورمان هستند، با این روند هم نابرابری‌ها تشدید می‌شوند و هم منابع و مصارف صندوق تأمین اجتماعی ناترازتر می‌شود. این رویه‌ای نیست که قابل استمرار باشد و باید هر چه زودتر اصلاح شود. منظوری به طور خاص اصلاحاتی است که نسبت پشتیبانی را افزایش دهد و از میزان خروجی بکاهد، به نحوی که هم محیط کسب و کار بهبود یابد و هم سلامت و بهداشت همگانی ارتقا یابد.

ادامه در صفحه آخر





عقلی و حرفه ای به شخص دیگری مثلاً همسایه و اگزار گردد، در واقع امری دور از منطق و البته شبهه برانگیز و نوعی تعدی آشکار به حقوق دیگران تلقی میگردد، که امید است با دخالت و ورود جدی حضرتعالی موجب اعاده شدن وضع مدیریتی این بانک به روال قانونی و عرفی قبلی خود گردد.

## نصرالله دریایی طی نامه‌ای به سران سه قوه:

### بانک رفاه را به تأمین اجتماعی برگردانید

ضعف مدیریتی ادوار گذشته سازمان باعث گردید که وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و سازمان تأمین اجتماعی بموقع اقدام مؤثری در مقابله با واگذاری مدیریت بانک رفاه کارگران بعنوان صاحب و عمده سهامدار آن انجام ندهد که ضمن گله‌مندی از این وضع، خواهان توجه اساسی نسبت به این موضوع و مداخله جنابعالی در راستای برخورد با این اقدام خلاف شرع و قانون ناشی از این واگذاری که تبعات بسیار زیان‌بخشی برای سازمان و جامعه هدف آن دارد، می‌باشیم.

علیهذا با عنایت به مراتب معروض افتاده فوق و اینکه اقدام به واگذاری مدیریت بانک رفاه کارگران که سرمایه آن متعلق به سازمان تأمین اجتماعی و در ماهیت متعلق به جامعه بیمه شده (کارگران و بازنشستگان) می‌باشد، تداعی آن است که اداره و مدیریت شخصی که عاقل بوده و با حائز بودن شرایط

۲- علیرغم اتفاقات ناخوشایند و زیر سوال رفتن بعضی از بانکهای خصوصی و دولتی کشور خوشبختانه جهت‌گیری و مدیریت حرفه‌ای بانک رفاه کارگران آنرا همواره بانک قابل اعتماد و مقبول نظر جامعه هدف، آحاد بیمه‌شدگان و بازنشستگان با جمعیتی بالغ بر ۵۰۰۰۰۰۰ نفری قرار داده است.

۳- اقدام به واگذاری مدیریت این بانک به صندوق ضمانت سپرده بانک مرکزی در واقع صددرصد عملی خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی و خلاف منویات رهبری معظم انقلاب و احکام بالادستی تلقی و مغایر با روند اصلاحات بنگاهداری دولت و توسعه حاکمیت و دخالت دولت در امور اقتصادی و بانکی و خلاف تمامی مصوبات و تصمیمات حاکمیتی می‌باشد.

۴- اینگونه بنظر می‌رسد دخالت دولت در عزل و نصب مدیران ارشد سازمان تأمین اجتماعی مضافاً

نایب رئیس کانون عالی بازنشستگان و رئیس هیات مدیره کانون کارگران بازنشسته و دبیر اجرایی خانه کارگر مازندران در نامه‌ای خطاب به سران سه قوه، خواستار ابطال واگذاری بانک رفاه و بازگشت آن به تأمین اجتماعی شد. متن نامه بشرح ذیل است

احتراماً در مقام ذینفع و البته متضرر از تصمیم جدید هیئت محترم دولت و بانک مرکزی در اجبار و الزام به واگذاری مدیریت بانک رفاه کارگران به صندوق ضمانت سپرده بانک مرکزی ذیلاً معروض می‌دارد.

۱- همانگونه مستحضرید و اسناد و مدارک مستند تماماً بر آن دلالت دارد، بانک رفاه کارگران از سوی مقامات عالی‌ه وقت کشور صرفاً با هدف ارائه خدمات به کارگران و بازنشستگان و در یک جمله بعنوان بازوی ارائه خدمات مالی و بانکداری سازمان تأمین اجتماعی تأسیس و از بدو تأسیس (قبل از انقلاب) تاکنون در همین راستا عمل نموده است.

## ضرورتی بر بیدار سازی

سازمان تأمین اجتماعی، سه جانبه‌گرایی در ارکان عالی این سازمان را از بین برده است و همه نوع مداخله ای انجام میدهد و در عین حال متولیان امر بدون اینکه خنده اشان بگیرد می‌گویند دولت نباید تصدیگری کند فلذا باید بانک رفاه واگذار شوند در حالی که راه حل اصلی برگرداندن سه جانبه‌گرایی واقعی، استقلال مالی و اداری و شخصیت مستقل حقوقی سازمان تأمین اجتماعی و اعمال حکمرانی مطلوب و حاکمیت شرکتی است.

متولیان دولتی برخلاف اصول، قواعد و محاسبات بیمه ای و اصل چندجانبه‌گرایی بر سازمان و شرکتهای و موسسات تابعه سازمان تأمین اجتماعی چنبره زده اند و بعد خیلی جدی و با قیافه حق به جانب، خطاب به سازمانی که مخلوع الید است می‌گویند نباید تصدیگری و بنگاهداری کنی و باید شرکتهای را بفروشی تا از تصدیگری و بنگاهداری خارج شوی؟!؟

دولتی ها اقتصادی ساخته اند که در آن سرمایه گذاری مولد به اغماه رفته و سرشار از سوداگری و سفته بازی است و بخش قابل توجهی از اقتصاد سیاه، زیرزمینی و غیر رسمی و پنهان است، دولتی ها خودشان یک بورس کم عمق، دستوری و غیرشفاف ساخته اند، که با یک عرضه یا عدم عرضه سهام تب و لرز می‌کند، بعد در چنین وضعیتی می‌گویند سازمان باید شرکتهایش را بفروشد و اگر نفروخت باید جریمه بپردازد؟!؟

متولیان دولتی وظیفه خود در مقابله با فساد و بکارگیری پاکستان استتکاف نموده و در عین حال فریاد و افساد سر میدهند و بدون آثاری از شوخی و خنده بر چهره، می‌گویند برای اینکه فساد نشود سازمان باید شرکتهایش را به ثمن بخش بفروشد و اگر خریدار پیدا نشد (که قرار است نشود و خودشان میدانند به قیمت واقعی خریدار پیدا نمی‌شود و اینکه بخش خصوصی واقعی پیدا نمی‌شود برای خرید) اداره شرکتهای را پیمان مدیریتی واگذار کنی؟! در حالی که خودشان می‌دانند اگر فساد باشد، در فروش و در اجازه دادن شرکت و در پیمان مدیریت به طریق اولی فساد بیشتری است!!

به هر تقدیر عده ای که میدانند هیچ چیز ما به هیچ چیز جهان شبیه نیست، می‌گویند فقط سازمان تأمین اجتماعی باید شبیه دنیا بشود و انتظار دارند بیمه شدگان و مستمری بگیران سازمان هم برای این منورالفکری و مشعشع الانواری آنها کف و سوت هم بزنند.

متولیان امر در ارتباط با بانکهای دیگری که خودشان می‌دانند و همه می‌دانیم توسط یک شخص حقیقی یا حقوقی "تیک اور" شده اند حساسیتی را که در قبال بانک رفاه کارگران دارند به خرج نمی‌دهند؟! به گزاره های زیر توجه کنید:

بانک رفاه کارگران در دهه ۱۳۳۰ به عنوان یک بانک ماموریتی و تکلیفی و در حکم خزانه داری کل سازمان تأمین اجتماعی عهده دار وظایف و ماموریت های ذاتی و تکلیفی سازمان تأمین اجتماعی و برای حکمرانی پولی نظام بیمه های اجتماعی به عنوان یک ذخیره و اندوخته بیمه شدگان و برای به جریان انداختن اندوخته های بیمه شدگان توسط سازمان تأمین اجتماعی تأسیس شده است ولی سه سال است که توسط وزارت امور اقتصادی و دارایی اداره می‌شود و بابت همین مدت که سازمان هیچ اختیاری در بانک نداشته، قرار است سازمان چندین هزار میلیارد تومان جریمه شود و همچنین در این شرایط مضیقہ مالی و نقدینگی، متأسفانه سازمان از دسترسی به منابع حاصل از سود بانک مزبور هم محروم شده است و این در شرایطی است که دولت صدها هزار میلیارد تومان بدهی های بیمه ای جاری، معوقه و سنواتی خود را به سازمان تأمین اجتماعی نداده است؟!؟

در گذشته دولت حق بیمه های جاری، معوقه و سنواتی اش را به سازمان تأمین اجتماعی نمیداد (الان هم نمی‌دهد) و اجرای طرح تحول سلامت را بدون تأمین مالی به سازمان تحمیل نمود و سازمان مجبور به استقراض از بانک شد و بعد همین دولتی ها می‌گفتند سازمان به بانک بدهکار است و سازمان بخاطر عدم ایفای نقدی و به موقع تعهدات دولت مجبور شد سهام خود را به بانک بدهد و تهاثر کند و حالا همان دولتی ها به همین تهاثر درونی هم ایراد می‌گیرند و می‌گویند باید بانک واگذار شود؟!؟

سیاستهای کلی اصل ۴۴ بر تملک و اداره ۸۰ درصدی سهام واگذاری دولت توسط سازمان تأمین اجتماعی صراحت دارد، ولی دولتی ها به غلط سازمان را دولتی و مشمول حکم واگذاری تلقی کرده اند و در قوانین بعدی این درصد را کاهش داده اند و حکم به فروش اموال سازمان تأمین اجتماعی داده اند و بعد مالکیت و مدیریت سازمان بر بانک رفاه را سلب کرده اند و به وزیر اقتصاد داده اند و در نتیجه تصدیگری و بنگاهداری دولت ونیز وزیر اقتصاد را افزایش داده اند و حالا خیلی جدی و بدون اینکه خنده اشان بگیرد، می‌خواهند بابت همین مدت از سازمان جریمه هم بگیرند؟!؟

از زمان دولت نهم دولت با تغییر غیرقانونی اساسنامه

حاضر کشور که غالباً مسائلی دیرپا، مزمن و سنواتی هستند در شرایط عادی و در زمان وفور درآمدهای نفتی، آزادی تجارت خارجی، تصدیگری مدیران و کارشناسان نخبه و پاکدست و... حل نشده اند و چگونه می‌شود همه آنها را یکجا و در این شرایط عصری حاد و غامض کنونی مرتفع ساخت؟

به بیان دیگر وضعیت کشور و جامعه به گونه ای است که حتی حفظ و نگهداشت وضع موجود مستلزم ایجاد ثبات، اطمینان و امید به آینده در مردم و به ویژه اقشار فرودست جامعه است تا چه رسد به اینکه بخواهیم چندین جراحی اقتصادی، اجتماعی، اداری، بودجه ای، بانکی، نظام قیمت گذاری، نظام یارانه پردازی و... را بطور یکجا و همزمان انجام دهیم و همه مسائل دیرپا و مزمن چندین دهه گذشته را یکباره حل کنیم. طرفه تر آنکه عده ای برای اینکار سرنا را از سر گشاد آن می‌نوازند و از احکام قانونی هم مصادره به مطلوب نموده و فقط بخشهایی که تنگنا را برای اقشار متوسط و پائین افزایش می‌دهد را مدنظر قرار داده و اجرایی می‌کنند و قبل از اینکه مقدمات و پیش نیازهای لازم را فراهم سازند به طرح عمومی و رسانه ای این موضوعات می‌پردازند. از قدیم

الایام گفته اند که "دو چیز صدا ندارد فقر فقرا و عیب اغنیاء" و چون اغنیای متعلق به طبقه خاص و خواص رسانه، توان لابی‌گری و رایزنی و... بیشتری دارند در پوشاندن عیوب خویش و بزرگنمایی مسائل مربوط به طبقه فرودست موفق هستند. نتیجه آن میشود که "تیک اور" کردن بانک ها از سوی اشخاص حقیقی و نهادهای خاص نادیده گرفته می‌شود ولی بانک رفاه که متعلق به ۴۵ میلیون نفر بیمه شده و مستمری بگیر است و عملاً می‌تواند یک بانک ملی تلقی شود، بزرگنمایی و برجسته سازی می‌شود و یا مشاهده می‌کنیم که طرح های مربوط به مالیات بر مجموع درآمد و مالیات بر عایدی سرمایه و... به مشکل بر میخورند ولی احکام مربوط به کاهش کمک دولت به طبقات فرودست سریعاً در دستور کار قرار گرفته و عملیاتی می‌شود. مثلاً به جای اینکه اول یارانه اعطای بنزین هواپیما و خوراک پتروشیمی و پیست اسکی و پاتیناژ را کم کنند افتاده اند دنبال کم کردن یارانه ضعیف ترین اقشار جامعه

اخیراً فهرست ابر بدهکاران بانکی در نظام بانکی کشور منتشر شده است و بانک رفاه کارگران رتبه سیزدهم را در لیست بدهکاران بانکی نظام بانکی دارد با این تفاوت که بدهی بانکهای دیگر چندین هزار میلیارد تومانی است و بدهی بانک رفاه کارگران چندین میلیون تومانی است و مشخص نیست که چرا



دکتر علی حیدر کارشناس رفاه و تأمین اجتماعی و مشاور ارشد مدیر عامل سازمان تأمین اجتماعی: ایقاص النائمین یا بیدار سازی خفتگان، نام یکی از کتب سترگ عرفانی از ملاصدرا است و اشاره به یکی از اولین گام ها در سلوک عرفانی یعنی موضوع یقظه یا بیداری و تنبه دارد و صد البته بیدار سازی خفتگان مستلزم این است که خفتگان خود را به خواب نزده باشند که اگر شوربخانه چنین باشد، کاری از دست بیداران و بیدار سازان بر نمی‌آید پس برای ایقاص النائمین لازم آید که خفته واقعا خفته باشند و بخواهد که بیدار نشود و از همه مهمتر اینکه خفته، نفوذی یا مامور شیطان های بزرگ و کوچک! یا مغرض (دارای تعارض نقش و تضاد منافع) نباشد.

هم پایانی بحران ها و ناترازی ها و شرایط غامض، صعب و نامطمئن موجود در قلمروهای اقتصادی، سیاسی و امنیتی ایجاب می‌نماید که از وارد آوردن هرگونه شوک و عدم ثبات جدید جلوگیری شود و قبل از هرگونه تصمیم سازی و تصمیم گیری، ابعاد مختلف آن و بویژه تاثیر و تاثرات آن بر معیشت، ممر درآمد، توان مالی و کیفیت زندگی آحاد مردم بویژه اقشار ضعیف و فرودست جامعه پایش و پیمایش شده و برای آنها "پیوست تأمین اجتماعی" (موضوع بند ۹ سیاستهای کلی تأمین اجتماعی) تهیه و تدوین و ملاک عمل قرار گیرد. کیست که نداند چالش ها، بحران ها، مسائل و مشکلات مبتلا به حال

حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان و معاون دبیر کل خانه کارگر:

## مجلس حتما واگذاری بانک رفاه را ابطال کند

تاخیر در پرداخت حقوق بازنشستگان به خاطر همین واگذاری اشتباه است



دیگر و زیر ۵ درصد آن هم از سود شرکت‌های شستا و تامین اجتماعی است. این درحالی است که کارفرمایان تا ساعت آخر مهلت واریز حق بیمه، این پرداخت را به تاخیر می‌اندازند. اگر ما خط اعتباری بانک رفاه را داشتیم، این مشکلات پیش نمی‌آمد و انبوه مشکلات تلنبار شده مثل کسری هزینه درمان سازمان تامین اجتماعی و مشکل بیمه عمر و تکمیلی بازنشستگان و... ایجاد نمی‌شد. بانک رفاه اسناد شرکت‌های تامین اجتماعی را به عنوان وثیقه می‌داد و به جای آن پول بازنشستگان را پرداخت می‌کرد. امروزه دیگر تامین اجتماعی پولی ندارد که بتواند آن را به موقع به بازنشسته بدهد. تامین اجتماعی دیگر نقدینگی ندارد که مثل قبل، از بیستم هر ماه حقوق بدهد. باید صبر کند تا هر ماه حق بیمه‌های کارفرمایان و کسورات نیروی کار و سوده‌های شرکت‌ها محقق شوند تا بتواند مبالغ هنگفت حقوق بازنشستگان را پرداخت کند. این‌ها همه در کنار موضوع عدم پرداخت بدهی سازمان تامین اجتماعی، امروزه این سازمان را تحت فشار گذاشته. بازگرداندن بانک رفاه در شرایطی که دولت بدهی خود را نمی‌دهد، کمترین کاری است که مسئولان موظف به انجام آن هستند تا در آینده بحران‌های پرداخت حقوق و درمان و بیمه تشدید نشود.

اجتماعی اداره شود. در این مدت فرصتی برای بازنگری در قانون و ساختارهای مالی پیش می‌آید که شاید بتواند جایگزین قانون قبلی شود. این مسیر برای بازنشستگان و سازمان تامین اجتماعی و کارگران عالی خواهد بود و به نفع کشور هم هست. اگر مجلس هم در طرح دو فوریتی واگذاری را ابطال کرد، راه دیگری برای برگرداندن بانک رفاه به وجود می‌آید. در عین حال، اگر دولت و رئیس جمهور و شورای عالی امنیت ملی به این نتیجه برسند که فعلا این تصمیم را معلق کنند، بازهم اقدام مثبتی است تا نارضایتی بازنشستگان مدیریت شود. در غیر این صورت پس از ۲۵ تیرماه که انتقال به طور کامل انجام می‌شود، ما به کشنگری و اعتراض شدید ادامه خواهیم داد. با توجه به ضرورت استفاده از عقل سلیم در تصمیم پیرامون بانک رفاه مخاطب ما بیشتر قوه مجریه و مدیران آن و قوه مقننه و نمایندگان مجلس آن است و قطعاً بحث بانک رفاه از این پس جزئی جدانشدنی از مطالباتی است که در جمع‌های بازنشستگان شنیده می‌شود. واگذاری بانک رفاه دردی تمام نشده است که صدا و فریاد ناشی از این زخم شاید اندکی دیرتر اما با قدرت به گوش مسئولان خواهد رسید.

واگذاری بانک رفاه از هم اکنون و در شرایطی که هنوز تکمیل نشده، مشکلات بسیاری برای بازنشستگان و سازمان تامین اجتماعی ایجاد کرده است. ۷۰ درصد دلایل مرتبط با تاخیر حقوق بازنشستگان مرتبط با بحث تضعیف نقدینگی سازمان تامین اجتماعی و فقدان پشتوانه بانک رفاه است که باعث شده واریزی‌های سازمان از روز ۲۱ هر ماه به روز ۳۱ هر ماه برسد! این میزان از تاخیر به این دلیل است که بسیاری از کارفرمایان دقیقاً بخاطر شرایط مختلف و اجازهای که قانون به آن‌ها داده، در روز آخر مهلت خود حق بیمه را رد می‌کنند و ۸۶ درصد منابع پرداخت حقوق‌های بازنشستگان و مقرری بگیران از محل حق بیمه‌های پرداختی کارگران شاغل تامین می‌شود. این منابع زود به دست سازمان تامین اجتماعی نمی‌رسد تا زود حقوق پرداخت شود. باقی نیز منابع قبلی، تها ترا و پرداخت دیون تامین اجتماعی توسط برخی نهادها و درآمدهای

العمل و اعتراض جدی در این رابطه مشاهده نکردند. این احساس ایجاد شده که کار تمام شده و تشکل‌های کارگری نیز از دیدگاه‌های خود برگشته و مجاب شدند. به همین دلیل است که هر گاه بحثی از بانک رفاه مطرح می‌شود، عده‌ای آن را غیرقابل بازگشت معرفی کرده و سعی می‌کنند در مجلس و دولت بحث را ببندند. اما این تصور کاملاً غلط است!

ما به عنوان تشکل‌های کارگری تلاش بسیاری برای حفظ بانک رفاه کردیم. می‌کنیم، در هفته کارگر با آقای قالیباف رئیس مجلس صحبت کردیم و هشدارهای لازم را دادیم. نامه‌های بسیاری به مدیران اقتصادی دولت و سران قوا نوشتیم. هر جا در هر محفلی که نمایندگان کارگری و دبیران اجرایی خانه کارگرها و کانون‌های بازنشستگی حضور داشتند، از آنجا که نسبت به این موضوع حساس شده بودند، اظهار نظر کرده و هشدار دادند. ما موارد خلاف قانون این موضوع را همه جا قید کردیم و حتی مسئولان امنیتی را نسبت به ابعاد موضوع روشن کردیم تا از قبل نسبت به تبعات این واگذاری آگاهی کافی داشته باشند.

از نظر ما کارگران و بازنشستگان، موضوع واگذاری بانک رفاه تحت هیچ شرایطی تمام شده نیست. ما سناریوهای خود را دنبال می‌کنیم. اول به دنبال پخش رسانه‌ای موضوع از طریق رسانه‌های مستقل از نهادهای ثروت و قدرت هستیم. ابتدا تبیین این امر خلاف، در دستور کار ماست که تاکنون نیز بخش زیادی از این مسیر را رفتیم. دستگاه‌های دولتی و اجرایی همسو مانند برخی مقامات منصوب سازمان تامین اجتماعی و برخی مسئولان وزارت کار نیز همزمان در تعامل با ما در حال ریزنی با مقامات بالاتر هستند. همچنین ما مشغول مذاکره با نمایندگان مجلس در سراسر استان‌ها هستیم؛ حرف ما این است که این بانک بخشی از اموال بازنشستگان و کارگران بوده و باید به آن‌ها برگردد.

اگر با راه حلی که پیشنهاد کردیم که یک استمهال (مهلت دادن) پنج‌ساله درباره بانک رفاه به وجود آید موافقت شود، کار به صورت اصولی پیش خواهد رفت. طی این پنج سال استمهال، بانک رفاه باید زیر نظر تامین

اشتباه می‌اندیشند اگر فکر کنند بازنشسته بانک خود را فراموش می‌کند، با سوء مدیریت دولتها، امروزه تامین اجتماعی تحت فشار قرار دارد و بازگرداندن بانک رفاه در شرایطی که دولت بدهی خود را نمی‌دهد، کمترین کاری است که مسئولان موظف به انجام آن هستند تا در آینده بحران‌های کسری حقوق و درمان فروکش کند، طرح موضوع واگذاری بانک رفاه کارگران به دولت و بخش خصوصی با مصوبه مجلس در سال‌های گذشته و اجرا و ابلاغ آن، یکی از زخم‌هایی است که هنوز برای بازنشستگان و کارگران تازه است و اعتراض به آن را متوقف نکرده‌اند.

مسئولان و مقامات موافق با واگذاری بانک رفاه می‌گویند که واگذاری بانک رفاه قابل بازگشت نیست. جواب ما به آن‌ها این است که در حوزه قوانین و مصوبات، هیچ چیزی غیرقابل بازگشتی وجود ندارد ما معتقدیم اگر کاری خلاف شرع و قانون صورت گرفت که مولفه‌های شرعی، عرفی و حقوقی در آن رعایت نشده باشد، قابل برگشت است. آنچه که غیرقابل برگشت است، تنها قوانین الهی و اصول شرع هستند.

بشری که به شدت دچار اشتباه است و جایز الخطاست، همواره اقداماتی انجام می‌دهد که مقدس نیست و مصوبه مجلس در واگذاری بانک رفاه هم از این موضوع مستثنی نیست. لذا همان مجلسی که این قانون را برای واگذاری بانک رفاه و خارج کردن آن از ید سازمان تامین اجتماعی مصوب کرد، این توان را دارد که با مصوبه دیگری این واگذاری را ابطال کند. ما معتقدیم مصوبه مجلس درباره واگذاری بانک رفاه، قانونی قابل برگشت است. در قالب یک طرح دو فوریتی می‌توان مجلسی‌ها را اقناع کرد که به باز پس‌گیری بانک رفاه به نفع سازمان تامین اجتماعی رای دهند. این موضوع اصلاً دشوار نخواهد بود.

البته به نظر می‌رسد برخی تصمیم‌گیران مهم در دولت و مجلس به این فکر افتاده‌اند که موضوع واگذاری از سوی ذی‌نفعان و صاحبان حق و تشکل‌های کارگری و بازنشستگان، عملی انجام شده و امری پذیرفته شده قلمداد کنند. علت این فکر غلط این است که عکس

### دکتر کاتوزیان:

## قانونی که در آن عدالت رعایت نشود شرافت ندارد

عزل کنند  
۳- نمایندگان مجلس شورای اسلامی اگر چنانچه نسبت به نمایندگی مردم بویژه کارگران مبنی بر مخالفت با واگذاری بانک رفاه و سازمان تامین اجتماعی اقدامی نکنند و طرح جهت ابطال قوانین ضدکارگری که منجر به واگذاری و منابع سازمان و بانک رفاه گردیده ندهند  
آنها نیز از نمایندگی خود عزل می‌شوند.  
۴- دولت و وزیرکار باید هرچه سریعتر نسبت به برگرداندن بدون شرط بانک رفاه کارگران به سازمان تامین اجتماعی اقدام نمایند در غیر اینصورت دلیلی ندارد بخش بزرگی از کارگران که موافق دولت بودند کم‌کم موافق باشند. بلکه شما عوامل دست اندرکار باید منتظر اعتراضات گسترده کارگران باشید، و مطمئن باشید که کارگران در خصوص پیگیری مطالبات به حق خود به ویژه بانک رفاه از هیچ اقدامی فروگذار نخواهند بود  
۵- کارگران و بیمه شدگان عزیز آگاه باشید که وفق اصل ۲۷ قانون اساسی راه پیمایی و اعتراضات صنفی حق قانونی و مسلم ماست، اگر اقدامات اعتراضی نکنیم همانطور که امنیت شغلی کارگران را با افزایش قراردادهای موقت یکسویه و یکطرفه با نظیر کارفرمایان دولتی و خصوصی ناپود کردند و مقاومت و اعتراضی ندیدند، اینبار هم سیاست‌مداران رانت خوار و تمساح صفت قصد کرده اند اموال و منابع متعلق به کارگران را در سازمان تامین اجتماعی و بانک رفاه یکجا بخورند.  
حسین حبیبی  
نماینده کارگران در شوراهای اسلامی کار استان تهران،

عدالت رعایت نشود فاقد شرافت است می‌باشد. و این لباسی که تحت لوای قانون به تن این واگذاری غیر قانونی و غیرشرعی پوشانده اند خیلی گشاد و بی‌قواره است و مصداق کامل بی‌عدالتی و بی‌شرافتی است و مهم نیست که چه عنوانی می‌به آن بدهند:  
به عبارتی اموال و منابع کارگران و بیمه شدگان با تصویب قانون توسط مجلس شورای اسلامی و تأیید شورای نگهبان، احتمالاً تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام بدلیل آنکه مجوز دست اندازی به اموال و منابع بیمه شدگان را صادر کرده تخلف و فاقد شرافت می‌باشد چرا که عدالت رعایت نشده است.

حال این سوال مطرح است که چه باید کرد؟

۱- تشکلات کارگری مانند

الف - کانون عالی شوراهای اسلامی کار سراسر کشور

ب- انجمن صنفی کارگران کشور

ج- مجمع عالی نمایندگان کشور

د- کانون عالی بازنشستگان کشور

باید بیانیه اعتراضی مشترک و متحد در محکومیت واگذاری بانک رفاه به بانک مرکزی حتی اگر در حد ادرصد باشد، صادر کنند و اگر نسبت به صدور بیانیه اعتراضی اقدام نکنند مشخص می‌شود که دغدغه کارگران را نداشته و باید از جایگاه نمایندگی در سطح کارگاه و استان و کشور عزل شوند (خارج شوند).

۲- کارگران کشور تعارف را کنار بگذارند، باید تشکلهای کارگری در سطح مختلف را رصد کنند و اگر در حمایت از کارگران و سازمان تامین اجتماعی و بویژه بانک رفاه اقدامی اعتراضی انجام ندادند آنها را از نمایندگی خود

تفصیل ضوابط و قلمرو و شرایط هر سه بخش را قانون معین می‌کند.

پس مشاهده میشود که:

۱- در این اصل، واگذاری اموال و دارایی که با مالکیت عمومی و در اختیار دولت است و بالعکس، دیده نشده است  
۲- در این اصل، گفته شده مالکیت در سه بخش دولتی، تعاونی، خصوصی با توجه به شروط ذیل مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است:

الف - اصول دیگر این فصل مطابق باشد

ب - از محدوده قوانین اسلام خارج نشود

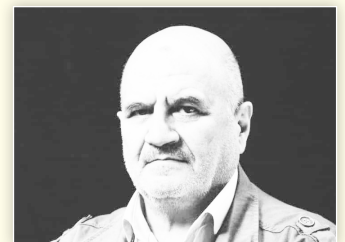
ج - موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد

د - مایه زیان جامعه نشود.

۳- خوب حالا فرض کنیم با توجه به شروط فوق آیا فقط بخش دولتی قابل واگذاری است یا بخشهایی خصوصی و تعاونی هم قابل واگذاری می‌باشد؟

مسئله خیر بلکه در صورت تحقق و یا عدم تحقق شروط اصل ۴۴ مالکیت سه بخش مورد حمایت قرار نخواهند گرفت، بلکه باید موانع برطرف شود.

۴- سازمان تامین اجتماعی و شرکتهای شستا و بانک رفاه ۱۰۰ درصد سهام آن متعلق به کارگران و بیمه شدگان است، پس دولتی نبوده و نیست، پس واگذاری بانک رفاه که ۱۰۰ درصد سهام آن به کارگران و سازمان تامین اجتماعی تعلق دارد تخلف آشکار محسوب می‌شود، و باید از آن جلوگیری شود، البته شاید ادعای شود سازمان با تبدیل شدن به وزارت رفاه و سپس در قالب وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دولتی شده است، این درست است، ولی این دولتی شدن سازمان مصداق عبارت قانونی که در آن



تخلفی دیگر در قالب قانون!!!!

آیا بانک رفاه قابل واگذاری است؟

ابتدای بریم سراغ

اصل ۴۴ قانون اساسی

نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی بنا بر مبنای منظم و صحیح استوار است.

بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، بانکداری، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمایی، کشتیرانی، راه و راه آهن و مانند اینها است که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است.

بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

مالکیت در این سه بخش تا جایی که با اصول دیگر این فصل مطابق باشد و از محدوده قوانین اسلام خارج نشود و موجب رشد و توسعه اقتصادی کشور گردد و مایه زیان جامعه نشود مورد حمایت قانون جمهوری اسلامی است.



**گپ و گفت صمیمی ودوستانه دکتر علیرضا حیدری نایب رئیس اتحادیه با سردبیر نشریه سید مجتبی قریشیان:**

## پرداخت حقوق از بیستم هر ماه سالانه حدود ۳ همت برای سازمان تامین اجتماعی هزینه دربرداشت



و مستمری بگیران ناشی از وامی است که از بانک رفاه دریافت کرده اند یا خرید اقساطی است که به اعتبار دریافت حقوق از بانک رفاه انجام داده اند که با این تفاهم نامه مشکلی از ناحیه پرداخت حقوق در سه روز آخر ماه برای بازنشستگان و مستمری بگیران پیش نمی آید

**علت اصلی اینکه سازمان پرداخت حقوق هارا از بیستم هر ماه شروع میکند:**

فلسفه اصلی پرداخت حقوق بازنشستگان از بیستم تا آخر هر ماه به علت کمبود نقدینگی موقت و تامین اعتبار برای پرداخت حقوق نبود چون سازمان از جهت منابع مالی مشکلی در پرداخت حقوق نداشت. بلکه به این دلیل بود که قبلا افراد بازنشسته حقوق خود را با دترچه و بصورت نقدی از بانک دریافت می کردند. لذا مراجعه بازنشستگان در ۳ روز آخر ماه باعث ازدحام جمعیت و ایجاد صف میشد و این برای بازنشستگان زحمت و درد سهرای زیادی را بوجود می آورد لذا برای جلوگیری از چنین صفی سازمان مجبور شده بود، علی رغم اینکه برای پرداخت حقوق همه در یک روز مشکلی نداشت، پرداخت حقوق ها را براساس نام خانوادگی از بیستم هر ماه شروع کند تا مانع از تشکیل صف شود ولی الان که پرداخت حقوق ها الکترونیکی و با استفاده از کارت های اعتباری صورت میگیرد و همه افراد در کمترین زمان ممکن می توانند به حقوق خودشان دسترسی داشته باشند. پرداخت حقوق در ۳ روز آخر ماه مشکلی از این جهت برای بازنشستگان و مستمری بگیران پیش نمی آورد. قبلا که پرداخت حقوق بصورت نقدی بود، آوردن پول از خزانه به شعب بانک رفاه مستلزم این بود که یک تیم حفاظتی پولها را از خزانه به شعب بانک رفاه برساند خود این فرآیند پیچیده، زمان بر و مشکل ساز شده بود که پرداخت متمرکز و الکترونیکی کار، را بسیار سهل کرده و در مدت زمان کوتاهی حقوق افراد به کارت آنها شارژ میشود. اینها دلالتی بود که سازمان مجبور شده بود که حقوق ها را ظرف مدت ۱۰ روز و براساس حروف الفبا، پرداخت کند.

**در ارتباط با بعضی از اقدامات درستی که سازمان تامین اجتماعی انجام می دهد اطلاع رسانی درستی صورت نمی گیرد:**

درخصوص برخی از اقدامات درست و مناسبی که سازمان آن را انجام می دهد اطلاع رسانی درست و شفافی برای مخاطب صورت نمی گیرد و این باعث میشود که سؤالیهای که در این خصوص در ذهن مخاطب ایجاد میشود بعضا جوابهای نادرستی را در ذهن مخاطب بوجود آورد و یا بعضی از افراد معترض اند، روی عرض ورزی شیطن میکنند و ذهن افراد را مشوش میکنند و باعث تشویش اذهان عمومی میشوند. اگر اطلاع رسانی درست و به موقع انجام شود و ضرورت هر چیزی به موقع اعلام و انجام شود فکر می کنم که بازده و اثر خیلی خوبی داشته باشد.

**بانک رفاه کارگران با سرمایه سازمان تامین اجتماعی که حاصل پرداخت حق بیمه توسط کارگران و کارفرمایان بود تاسیس شد:**

نهاده مالی بانک رفاه بعنوان یک ابزار، در زمانی که این بانک تاسیس شد با سرمایه تامین اجتماعی که توسط کارگرا و کارفرمایان که حق بیمه پرداخت کرده بودند، ایجاد گردید. در سال ۱۳۳۸ تشکیل شد، بقدری این نهاد

چگونه پرداخت حقوقها از بیستم هر ماه به سه روز آخر ماه منتقل شد:

اینکه الان حقوقها در سه روز آخر ماه پرداخت میشود در حقیقت خیلی به بانک رفاه ارتباط ندارد (گرچه کاملا بی ارتباط نیست) در این خصوص اصل داستان اینجاست که کارفرماها برای پرداخت حق بیمه تا ساعت ۱۲، آخرین روز ماه فرصت دارند، بر همین اساس معمولا این پرداخت ها عمدتا در ۲ الی سه روز آخر ماه اتفاق می افتد و فشرده گی پرداخت حق بیمه در ۱۲ الی ۳ روز آخر ماه صورت میگیرد، و این در حالی است که قبلا تعهدات سازمان درخصوص پرداخت حقوق براساس حروف الفبا از ۲۰ هر ماه آغاز میشد. میدانیم که نام خانوادگی هایی که با حرف الف و ب شروع میشود جمعیت زیادی را به خودش اختصاص داده است، یعنی گیرندگان مستمری طی روزهای ۲۰ تا ۲۴ هر ماه خیلی زیاد بودند. و این مفهومش این است که سازمان برای پرداخت حقوقها در روزهای ۲۰ تا ۲۷ (برای یک هفته تا ۱۰ روز) مشکل نقدینگی موقت پیدا میکرد. برای جبران این کمبود نقدینگی موقت از بانک رفاه یا هر نهاد مالی دیگر استقراض موقت میکرد تا بتواند پرداخت حقوقها را از ۲۰ شروع کند. پس از اینکه در آخر ماه حق بیمه توسط کارفرماها پرداخت میشد، این پول را جایگزین پولی که قرض کرده بود می کرد.

**پرداخت حقوق از بیستم هر ماه سالانه حدود ۳ همت برای سازمان تامین اجتماعی هزینه دربرداشت:**

باید توجه داشته باشیم که این نهادها به سادگی و راحتی به سازمان پول قرض نمی دادند، و بابت چند هزار میلیارد تومانی که قرض داده بودند برای یکروز آن هم از سازمان سود دریافت می کردند. آنچه را که سازمان در این خصوص محاسبه کرده بود هر ماه چیزی معادل ۳۰۰ تا ۵۰۰ میلیارد تومان هزینه تامین مالی همین چند روز می شد و این عدد را در طول سال که محاسبه کردند یک چیزی نزدیک به ۳ هزار میلیارد تومان (۳ همت) می شد، پولی که در حقیقت از حق بیمه و منابع مالی سازمان تامین اجتماعی پرداخت میشد، به عبارتی دیگر این پول از جیب بیمه شده ها و بازنشستگان پرداخت می شد. علاوه بر این در دسر پرداخت هم داشت، یعنی شما باید بطور روزانه برای پرداخت حقوق تامین مالی میکردی و کسری آن را جبران میکردی ولی عملا حق بیمه ها در پایان هر ماه به حساب سازمان واریز میشد و این باعث ایجاد استرس در حوزه های مالی و مختلف سازمان از جمله مدیر عامل گرفته تا سطوح پایین تر می شد و آنان را تحت تاثیر قرار می داد و باعث آزار، روانی آنها می شد. مثلا اگر بانک رفاه به موقع پول را به حساب سازمان واریز نمی کرد، سازمان نمی توانست پرداخت حقوقها را انجام دهد. به این دلیل بود که یک تفاهم و توافقی صورت گرفت تا پرداخت حقوقها در ۳ روز آخر ماه انجام شود. البته این امر یک کمی بیمه شده ها را به درد سر انداخت و برای آنها مشکل ایجاد کرد، چون بعضی ها قسط و تعهداتی دارند، که باید در فاصله بیستم تا اواخر هر ماه باید به آن عمل کنند. و در اینکه این تاخیر در پرداخت حقوق برای آنها درد سر ایجاد کرده است شکی وجود ندارد. ولی با توجه با تفاهمی که با بانک رفاه صورت گرفته است مقرر شده که در ارتباط با کسر اقساط وام یا سایر تعهدات مالی بازنشستگان که به بانک رفاه مربوط میشود، جرائم دیرکرد تعلق نگیرد. البته خیلی از تعهدات مالی بازنشستگان

**بانک رفاه کارگران هم مثل بعضی از بانک ها برای هدف خاصی تشکیل شده است:**

نباید فراموش کنیم که این بانک مثل بانک ملی، بانک سپه، یک ماموریت خاصی دارد، الان هم آن بانک ها دولتی هستند و سهامشان واگذار نشده است، دلیل واگذار نشدن سهامشان هم این بوده است که برای هدف خاصی تشکیل شده اند، مثل بانک صنعت و معدن مثل بانک کشاورزی که برای هدف خاصی تشکیل شده اند بانک رفاه هم برای هدف خاصی تشکیل شده است که این هدف، جامعه بیمه شده و تامین اجتماعی است، و شکل گیری آن هم بر همین اساس اتفاق افتاده است.

**همین یک دلیل که بانک رفاه برای هدف انجام رسالت خاصی تشکیل شده، کافی است که این بانک نباید ذیل سیاست های کلی اصل ۴۴ قرار می گرفت تا قانونی بر آن حاکم شود که مشمول واگذاری شود:**

اگر شما برای بانک سپه هدف گذاری کردی، اگر برای بانک کشاورزی هدف گذاری کردی، که هر کدام هدف معینی را دنبال کنند، اگر برای بانک ملی هدف گذاری کردی که حسابهای دولتی در آن شکل بگیرد و منافع دولت و خزانه در آن گردش داشته باشد و اگر برای بانک صنعت و معدن خدمت به جامعه صنعتی و صنعت گران هدف گذاری شده است، و پست بانک هم یک وظیفه و رسالت و هدف خاصی برای خودش دارد، بانک توسعه تعاون هم برای اهداف تعاونی هدف گذاری شده است یعنی هدف خاصی دارد بانک رفاه هم برای انجام رسالت خاصی تشکیل و هدف گذاری شده است و به همین دلیل بسیار مهم نباید این بانک را ذیل سیاست های کلی اصل ۴۴ می بردند، تا قانونی بر آن حاکم شود که واگذار شود. در ابتدا به ساکن قرار بود که ۱۰٪ مالکیت بانک رفاه در اختیار سازمان تامین اجتماعی باشد ولی اصلاحیه زدن و سقف تملک دارایی های سازمان را در این بانک به ۳۳٪ رساندند و مکلف کردند که ۶۷٪ سهام آن واگذار شود. یک نهاد دیگری از بیرون آمد و بواسطه اینکه این واگذاری را تسریع کند، مالکیت اداره این ۶۷٪ را بعهده گرفت و جرائم خاصی را هم تعریف کردند، از جمله اینکه سود توزیع شده را به میزان ۶۷٪ بعنوان جریمه به خزانه دولت پرداخت شود قانون هفتم که بسیار سخت گیرانه تر دارد عمل می کند و جرائم جدیدی را تعریف می کند، تا جایی که سهام را خودشان ببرند و واگذاری آن را انجام دهند، و عمل خصوصی سازی این بانک را انجام دهند.

**به نظر می رسد دولت و مجلس به این نتیجه رسیده اند که قرارداد بانک رفاه ذیل سیاست های اصل ۴۴ کار، درستی نبوده است:**

من اطلاع دارم که بسیاری از نمایندگان مجلس اعتراف کرده اند که ما اشتباه کردیم که بانک رفاه را بر دیم ذیل سیاست های اصل ۴۴ و باید دوباره این بانک برگردانیم به خانواده تامین اجتماعی و این نشان می دهد که باور نمایندگان تغییر کرده است. طبق قانون باید این اتفاق بیفتد.

**امیدوارم که بانک رفاه به خانواده تامین اجتماعی برگردد:**

من امیدوارم که در اثر تلاشی که دارد صورت میگیرد و مذاکراتی که دارد انجام میشود در قالب یک قانونی مجددا، بانک رفاه را از ذیل سیاست های اصل ۴۴ مستثنا کند.

و این دغدغه ذهنی خانواده تامین اجتماعی را که ناشی از واگذاری بانک رفاه هست برطرف شود و بانک رفاه به خانواده تامین اجتماعی برگردد.

**برای بازگشت بانک رفاه چند راهکار وجود دارد:**

این خیلی مهم است باید دقت کنیم که سرمایه اولیه بانک رفاه توسط سازمان تامین اجتماعی و از محل حق بیمه های پرداختی کارگرو کارفرما تامین شده است. برای بازگشت بانک رفاه چند راهکار وجود دارد تغییر فرآیند واگذاری بانک رفاه مستلزم تغییر قانون است. میشود یک بند یا تبصره ای به قانونی که مرتبط هم هست با این قضیه که الان هم صحبت شده که احتمالا قانونی در حوزه تولید دارد رسیدگی ماترین مصوبه است شود که میتوان یک الحاقیه ای به آن زد و بانک را از واگذاری مستثنا کرد. یک راه دیگر آن این است که سران قوا مصوب کنند. چون مصوبه سران قوا بالا ترین مصوبه است حتی نیاز به تایید شورای نگهبان هم ندارد. سران قوا مصوبه ای را بگذارند که واگذاری را متوقف کند تا قانونی را مجلس تصویب کند و بجای قانون فعلی بنشیند و بانک رفاه را از واگذاری مستثنا کند و آن را از ذیل سیاست های اصل ۴۴ خارج کنند. ولی یک اراده قوی برای قانون گذاری لازم دارد، ابتدا به ساکن باید برای قانون گذاران و سیاست گذاران، درک درستی از اینکه چرا باید جلو واگذاری این بانک گرفته شود وجود آید. اول باید برای قانون گذار و سیاست گذار مشخص شود که بانک در زمان تاسیس خودش رسالت خاصی داشته، که این رسالت همچنان باقی و پابرجاست. یعنی اینکه این بانک برای خانواده تامین اجتماعی تاسیس شده است و رسالتش هم این که که خانواده تامین اجتماعی را پوشش دهد و براساس ضوابطی که برای او تعریف شده به این خانواده خدمت ارئه دهد.

**اشتباهی صورت گرفته است باید حتما وبه هر قیمتی که شده این بانک مجددا به خانواده تامین اجتماعی برگردد:**

به هر تقدیر به نظر می آید اشتباهی صورت گرفته و باید حتما وبه هر قیمتی که شده این بانک مجددا به خانواده تامین اجتماعی برگردد، و رسالت خودش را مجددا به انجام برساند.

**لایه تشکلات کارگری و بازنشستگی بانمایندگان مجلس در خصوص عودت بانک رفاه بسیار موثر و مسبوق به سابقه است:**

قطعا تلاش تشکلات کارگری و بازنشستگان بی هیچ تردیدی موثر است هر کجا که کارگران توسط نمایندگان کارگر یا خودشان یا تشکلات کارگری بطور موثر وارد شده اند و باب گفتگو را با نمایندگان مجلس در حوزه انتخابیه خودشان ایجاد کرده اند حتما و حتما موفق بوده اند. سابقه تاریخی مجلس هم نشان دهنده این امر است که بارها و بارها این گفتگو ها توانسته است نظر مجلس را در خصوص موضوعات مختلف تغییر دهد و مسیر مصوبات را عوض کند. مطالبات زیادی که در مورد بانک رفاه گفته و نوشته شده است باعث شده که نگاه برخی از نمایندگان امروز بازمانیکه قوانین را گذرانده اند کاملا تغییر پیدا کند. بطوریکه اگر امروز خواسته باشند در مورد بانک رفاه تصمیم بگیرند که با آن چکار کنند. من مطمئن هستم که نمایندگان به واگذاری بانک رفاه رای نمیدهند، و آنرا ذیل سیاست های اصل ۴۴ نمی برند.

## دکتر داریوش طاهر خانی مدیر درمان تامین اجتماعی استان البرز بر ضرورت اجرای نظام ارجاع تاکید کرد



براین باوریم که بیماران در زمان بیماری نباید دغدغه ای جز درد بیماری و درمان خود داشته باشند، اجرای نظام ارجاع می تواند در این خصوص بسیار گره گشا باشد؛

دستیابی عادلانه به خدمات درمانی یکی از شاخص های مهم در

سهم بیمار از تامین هزینه های درمان نقش مهم و انکار ناپذیری در بهرمندی بیمار از خدمات درمانی مورد نیازش دارد؛

سهم بیماران از هزینه های سلامت یکی از مولفه های بسیار مهم می باشد که گاهی بیماران را در دو راهی بسیار سختی قرار می دهد. چرا که پرداخت از جیب بیماران در خصوص تامین هزینه های گران قیمت درمان، می تواند باعث عبور بیمار از لبه پرتگاه و سقوط او، به زیر خط فقر شود و نظام درمان کشور را با چالش جدی مواجه نماید. انتخاب راه دوم و انصراف از ادامه درمان نیز علاوه بر مخاطرات سلامتی، هزینه های مختلفی را بواسطه متفک شدن از کار و

عوارض ناشی از بیماری به سازمان های بیمه گر و نظام سلامت کشور و خانواده بیمار تحمیل خواهد کرد. و به نوعی پاک کردن صورت مسئله است بجای حل آن.

سازمان تامین اجتماعی با ارائه خدمات درمانی در مراکز درمانی خود سعی دارد مرهمی بر زخم درمان کشور قرار دهد؛

سازمان تامین اجتماعی با خدمات رایگان خود در مراکز ملکی، سعی در کنترل این مولفه داشته است. اما واقعیت های میدانی بیانگر آن است که بهره مندی نیازمندان واقعی به خدمات مورد نیازشان با چالش ها و دشواری های خاص خود همراه است. با توجه به ظرفیت های مشخص خدمات

تخصصی، گاه بیمارانی که نیازمند واقعی آن خدمت هستند، بدلیل تکمیل ظرفیت ها، امکان بهره مندی از آن خدمت برایشان فراهم نمی گردد. در نقطه مقابل در ارزیابی ها می بینیم که گاه بیمارانی که اساسا به آن خدمت تخصصی نیازی نداشته اند و مشکل شان در سطوح دیگر قابل حل بوده است، فراخور ذهن خود و با دسترسی به راه های مختلف نوبت دهی، ظرفیت را اشغال کرده اند.

اجرای نظام ارجاع راه حلی که همه عوامل دست اندر کار، در تامین سلامت جامعه بر آن متفق القول هستند، و اعتقاد دارند که میتواند مشکل درمان کشور را سامان دهی و حل کند؛

براین اساس همه دستگاه های مرتبط با نظام سلامت بر این موضوع متفق هستند که "نظام ارجاع" می تواند مشکل را حل کند و بیماران به سهولت و با کمترین هزینه به خدمات مورد نیاز درمانی خود برسند و از آن بهره مند شوند. نظام ارجاع سرآمد بیست طرح تحولی که در دستور کار سازمان تامین اجتماعی قرار دارد؛

بیست طرح تحولی در دستور کار سازمان تامین اجتماعی قرار دارد و نظام ارجاع بعنوان اولین طرح می تواند این اطمینان خاطر را در بیمه شدگان تامین اجتماعی فراهم نماید که "بیماران در زمان بیماری دغدغه ای جز درد بیماری نخواهند داشت."

### کرباسیان:

## با آمدن آقای احمدی نژاد، دست اندازی به سازمان تامین اجتماعی بطور وسیع آغاز شد

تا سال ۸۴ سازمان تامین اجتماعی همچنان سر پا بود، شستا اداره میشد، در حوزه درمان بیمارستان سازی های بسیاری شد، نزدیک به ۴۰ بیمارستان در کشور ساختیم و درمان تسهیل شد.

در سال ۱۳۸۴ که آقای احمدی نژاد آمد، دست اندازی به سازمان تامین اجتماعی بطور وسیع انجام شد. به این معنا که وزارت رفاه در عزل و نصب مدیران شروع به دخالت مستقیم کرد.

یکی از مدیران شستا که بسیار شریف است، روایت میکرد که در دولت احمدی نژاد، یک لیست با صد اسم از ریاست جمهوری برای وزیر فرستاده بودند و وزیر به ایشان ابلاغ کرده بود که این افراد را بگذارید هیئت مدیره و مدیر عامل شرکت ها. ایشان هم مخالفت کردند و عزلشان کردند. کرباسیان: دولت احمدی نژاد مصوبه میداد افرادی که در مساجد کار می کنند و قشر ضعیف را تحت پوشش قرار دهد، حق بیمه را دولت پرداخت می کند و بعد پرداخت نمی کرد، اینگونه هر روز بدهی های دولت اضافه شد دولت پول نداشت که بدهی هایش را به سازمان تامین اجتماعی پرداخت کند، شروع کرد واگذاری اموال به نام خصوصی سازی. اما اموال انتخاب شده سازمان نبود. تعدادی از شرکت های بزرگ که به سازمان دادند نه سودآور بود و نه قابلیت سودآور شدن داشت. اتفاق بدتر دولت احمدی نژاد آن بود که این شرکت هایی که قابلیت سودآوری نداشتند را وارد بورس کردند و بورس به جایی رسید که به علت عدم شفافیت و... دچار افت شدید بورس و ورشکستگی مردم شد.

### سرکار خانم رضایی:

## معاون محترم روابط کار وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی

باسلام و احترام

موضوع: بیکاری کارگران و تعطیلی کارگاهها بعلمت حمله دشمن صهیونیستی اسرائیل به کشور عزیزمان ایران به استحضار می رساند بروز جنگ وفق ماده ۱۵ قانون کار و تبصره ۲ ماده ۲ قانون بیمه بیکاری از مصادیق قوه قهریه و یا بروز حوادث غیر مترقبه محسوب می گردد و در صورتیکه منجر به تعطیلی کارگاهها و بیکاری کارگران گردد چون خارج از اراده کارگران و کارفرمایان می باشد، دولت باید این قبیل کارگاهها و کارفرمایان و کارگران را از محل درآمدهای عمومی و بیمه بیکاری مورد حمایت خود قرار دهد

لذا خواهشمند است ترتیبی اتخاذ گردد وفق تبصره ۲ ماده ۲ قانون بیمه بیکاری مبنی بر اینکه بیمه شدگانی که به علت بروز حوادث قهریه و غیر مترقبه از قبیل سیل، زلزله، جنگ، آتش سوزی و بیکار می شوند با معرفی واحد کار و امور اجتماعی محل، ضمن آنکه از مقرری بیمه بیکاری درایم تعلیق استفاده خواهند کرد. بعد از اتمام جنگ به محل و کار سابق خود بازگردانند و کارفرمایان بخش دولتی و خصوصی نیز تا پایان جنگ از فسخ و یا عدم تمدید قرارداد کار با نیروی کار خودداری نمایند.

خدایا: مردم بویژه کارگران کشور عزیزم ایران را از شر آمریکا و اسرائیل و خائنین وطن محافظت بفرما. آمین یا رب العالمین باتشکر

حسین حبیبی

دبیر کانون همهانگی شوراهای اسلامی کار استان تهران

## متن بیانیه اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در پی تجاوز آشکار، ددمنشانه و تروریستی رژیم سفاک و کودک کش صهیونیستی به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران و شهادت جمعی از فرماندهان ارشد نظامی و سرافراز نیروهای مسلح، دانشمندان متعهد و شهروندان کشورمان بالأخص زنان و کودکان بی دفاع

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»  
«وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»  
(و سستی نکنید و اندوهگین مباشید، که اگر ایمان دارید، شما برترید)  
سوره آل عمران - آیه ۱۳۹  
«مقاومت تاریشه کنی ظلم؛ تحقق عدالت با پیروی از ولایت»  
اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری با دلی آکنده از اندوه، اما سرشار از افتخار، شهادت مظلومانه جمعی از فرماندهان ارشد و سرافراز نیروهای مسلح، دانشمندان متعهد و شهروندان کشورمان بالأخص زنان و کودکان بی دفاع را در پی تجاوز آشکار، ددمنشانه و تروریستی رژیم سفاک و کودک کش صهیونیستی به خاک مقدس جمهوری اسلامی ایران، به محضر فرمانده معظم کل قوا حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (مدظله العالی)، خانواده های صبور شهید، مردم شریف و مقاوم ایران و جبهه جهانی مقاومت تسلیت و تریک عرض می نماید.

این جنایت فجیع، نه فقط نقض آشکار قوانین بین المللی و حقوق بشر است، بلکه سندی دیگر بر پرونده ننگین و غیر قابل دفاع رژیم اشغالگر قدس و حامیان غربی اش به ویژه ایالات متحده آمریکاست؛ جنایتی که بار دیگر ماهیت خبیث، غیر قابل اعتماد و فریبکارانه آمریکا و هم پیمانانش را برای جهانیان آشکار کرد و نشان داد که پشت نقاب گفت و گو و مذاکره، شمشیر زهرآگین تروریسم دولتی پنهان شده است.

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری ضمن تأکید بر ضرورت پاسخ گویی جامعه جهانی به این جنایت آشکار علیه امنیت، حاکمیت و کرامت انسانی، از سازمان ملل متحد، شورای امنیت و تمامی مجامع بین المللی مستقل می خواهد که با نگاهی عادلانه، دور از فشارهای سیاسی و نفوذ قدرت های سلطه گر، این اقدام تروریستی و نقض صریح حقوق بین الملل را به دور از استانداردهای دوگانه مورد بررسی و پیگیری قضایی قرار دهند و با اتخاذ موضعی مسئولانه و شفاف،

مانع تکرار چنین تجاوزات خطرناک و بی ثبات کننده ای در منطقه و جهان گردند.

ما باز نشستگان و پیشکسوتان جامعه کارگری که خود از زخم خوردگان و فاداران به این خاک و انقلابیم، با همه وجود این جنایت غیر انسانی را محکوم می کنیم و اعلام می داریم: دشمن بداند که با چنین حملات ناجوانمردانه ای، نه تنها خللی در اراده ملت ایران پدید نخواهد آمد، بلکه آهنگ اتحاد، ایستادگی و آمادگی برای پاسخ های کوبنده و کوبنده تر، شدت خواهد یافت.

در آستانه عید سعید غدیر خم - عید امانت، ولایت و عهد - ملت بصیر و مقاوم ایران اسلامی، با ایمان و امید به تحقق وعده های الهی، با حضور پر شور و یکپارچه در مراسم این عید بزرگ، پاسخ صریح و قاطعی به دشمنان خواهند داد. عید غدیر امسال، فقط یک جشن مذهبی نیست؛ بلکه آیین نمایش اراده پولادین ملتی است که هیچ گاه در برابر ظلم، عقب نشینی نکرده و نخواهد کرد.

مردم ایران اسلامی، نه از تهدیدهای

پوشالی دشمن هراس دارند، نه فریب لبخندهای دیپلماتیک آنان را می خورند. همان گونه که رهبر معظم انقلاب اسلامی فرمودند: «نیروهای مسلح، رژیم ردل صهیونی را بیچاره خواهند کرد.» ما باور داریم که رژیم اشغالگر قدس آغازگر این مسیر بود، اما بی تردید، ملت ایران پایان دهنده آن خواهد بود. نابودی کامل این رژیم جعلی و کودک کش از صحنه جغرافیای سیاسی منطقه، دیگر یک آرمان نیست؛ بلکه به یاری پروردگار، در مسیر تحقق قطعی قرار دارد.

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری، ضمن تجدید متناق با آرمان های امام راحل (ره) و شهیدان انقلاب اسلامی و دفاع مقدس، حمایت کامل و بی قید و شرط خود را از فرماندهی کل قوا و فرزندان دلیر ملت در نیروهای مسلح کشور اعلام می دارد و به جهانیان هشدار می دهد که ادامه تجاوزگری و دشمنی علیه ملت ایران، با پاسخی سخت، غیر قابل پیش بینی و پشیمان کننده مواجه خواهد شد.

خواهد شد.

ضمن آرزوی شفای عاجل برای مجروحان این اقدام تروریستی و ابراز همدردی عمیق با خانواده های داغ دیده، تأکید می کنیم که این خون های پاک، سرمایه ای جاودان برای عزت ملت ایران و چراغ راهی برای تمامی آزادی خواهان و مظلومان جهان، به ویژه ملت مقاوم فلسطین خواهد بود و با توکل به خداوند متعال و در پرتو رهبری های الهی مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، ملت ایران به مسیر پرافتخار خود ادامه خواهد داد و به امید آن روز که در جشن پر شکوه عید غدیر، نه تنها ولایت امیرالمؤمنین علی (ع)، بلکه فروپاشی کامل رژیم کودک کش صهیونیستی و پایان ظلم و اشغال در منطقه را نیز جشن بگیریم.

"تا ریشه ظلم برکنده نشود، این ملت آرام نخواهد نشست"

والسلام علی من اتبع الهدی

اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری ۳۳ خردادماه ۱۴۰۴



## آیا شارلاتانیسم تنها راه موفق شدن است؟! باد آورده را باد می برد

تو بخش دوم بارکر می پرسد: خوب چرا آدم های شارلاتان افراد موفق هستند؟! و می گوید: آدم های شیشه خورده دار، بی محابا دنبال چیزی که می خواهند می افتند و با یک اعتماد به نفس به شدت سمی، بی توجه به نظر، حرف، حق و قضاوت دیگران، جسورانه فقط به خواسته هایشان فکر می کنند.

در نهایت، بارکر می گوید: فکر می کنید من دارم شما رو تشویق می کنم که یک شارلاتان باشید! صبر کنید. این اول ماجراست. تحلیل سال ها زندگی آدم های شارلاتان نشان می دهد که آنها خوب شروع می کنند، در کوتاه مدت هم به جاهای خیلی خوبی هم می رسند و نتایج دلخواهی هم می گیرند اما...

نتایج مطالعات طولی نشان داده که موفقیت این آدم ها معمولاً همیشگی نبوده و کوتاه مدت است و دستاوردهای آنها ماندگار نیست و باد آورده را باد می برد. چرا که تو این مسیر به آدم هایی بر می خورند که از خودشان شارلاتان ترند و در نتیجه خودشان در درون خودشان همدیگر را حذف می کنند. در کنار آن، ریسک پذیری بالا از دلایل دیگر حذف آنهاست.

با توجه به این یافته ها چه درسی می توانیم از این شارلاتان ها بگیریم؟! بارکر می گوید: برای رسیدن به خواسته هایمان می توانیم با الهام از جسارت، پیگیری و پشتکاری که در این گروه از افراد هست،

مصرانه "تو راه درستش" جلو بروید....



نوشته شده که "بدی از خوبی قدرت مندتر است" نشان می دهد: "چیزهای بد تاثیرگذارتر و ماندگارتر از چیزهای خوب است. احساسات بد، والدین بد، بازخوردهای بد نسبت به آنها بی که خوبند اثرات بیشتر و ماندگارتری دارند و اطلاعات بد هم خیلی بیشتر و کامل تر از اطلاعات خوب بین آدم ها رد و بدل می شود."

من چیز دیگری نمی توانم بگویم جز اینکه نتایج یک مطالعه غیررسمی نشان داده که احتمال دزدیده شدن کتاب هایی که در زمینه مسائل اخلاقی هستن ۲۵ درصد بیشتر از سایر کتاب های موجود در کتاب فروشی هاست!

### تو راه درستش جلو بروید گاهنامه مدیر

اریک بارکر، یک کتاب شدیداً جذاب و علمی دارد به اسم "این راهش نیست." که در آن حقیقت های تلخ برآمده از معتبرترین پژوهش ها رو به صریح ترین شکل ممکن به تصویر می کشد. در بخشی از کتاب، بارکر می پرسد: آیا واقعاً آدم های شارلاتان (Jerks)، افراد موفق هستند؟! اگر آری، چرا و پاسخ می دهد... متأسفانه باید گفت بله! به طرز عجیبی دنیا، دنیای بی رحماست و شواهد قوی علمی نشان می دهد آدم هایی که ابایی از ضایع کردن حق دیگری ندارند و با قصد و برنامه، تنها در پی منافع شخصی خودشان هستند، معمولاً زودتر و سراسرتر به هدف هایی که تو سرشان دارند می رسند!

طبق مطالعه ای دیگر، شارلاتان ها خوب بلدند روی آدم ها تاثیر بگذارند و از راه چاپلوسی، کارشان حسابی جلو می رود! طبق پژوهشی دیگر که نتایج آن در مقاله ای "بی نظیر اما بی رحم" درج شده، مردم آنها را قدرتمند تصور می کنند و در نهایت، شارلاتان ها خوب بلدند آن بخش از کارشان که درست است را بزرگ کنند و باقی جاها را بپوشانند!

به ما یاد داده اند که مثل آخر فیلم های دیزنی لند همیشه خوبی بر بدی پیروز می شود. ولی متأسفانه موارد زیادی هست که پژوهشگران بررسی کرده اند و دیده اند این مدل در خیلی از موارد درست نیست. یکی از تحقیقات که صراحتاً در عنوان آن

## همش تقصیر مادر هاست!



در کسری از ثانیه تجزیه تحلیل کردم که باید به یک جایی پناه برد. آن موقع امکانات نبود و ما نمی توانستیم به کانادا پناهنده شویم، پس هیچ جا بهتر از گوشه حیاط به ذهنم نرسید. مثل تیری که از چله کمان رها شده باشد، پله های زیرزمین را دو تا یکی کردم و رفتم داخل حیاط و چهارنعل دویدم سمت مستراح و (گلاب به رویتان) به مستراح گوشه حیاط پناهنده شدم.

در راه ام از داخل به روی خودم قفل کردم. صدای هر تپش قلبم را دو بار می شنیدم که صدای دوشم مربوط به پژواک صدای قلبم از دیوارهای مستراح بود. مادر به پشت درب اقامتگاه من رسیدند و گفتند: «بیا بیرون!» ولی من فقط عاجزانه التماس می کردم: «غلط کردم مادر! مادر غلط کردم!» مرحومه مادر دریافتند با توجه به محل پناهندگی من، این «غلط کردم!» خیلی فراتر از یک «غلط کردم» معمولی است و حواشی زیادی بر آن مترتب است! بالاخره با کلی عجز و لابه، مادر امان دادند. اکنون من از یک حبس خود خواسته مستراحی و یک کیفر داغ، رهایی جسته بودم. ندایی از درون به من نهیب زد که: «استثنائاً» همین یک بار جستی ملخک!

از آن زمان تا امروز بیش از چهل و اندی سال میگذرد. شما الان کل بودجه جاری و عمرانی ایالات متحده آمریکا را بسپار به این اخوی ما، دور از جان، اگر از گرسنگی بمیرد به پول دشمنش هم دست نمی زند که هیچ، اصلاً نگاهش هم نمیکند. حالا گم شدن این همه پول تو مملکت هم ممکن است که دو حالت داشته باشد. یا پول های گمشده را عزیزان فکر کرده اند که بی صاحب است، و برداشته اند اما به مادرشان نگفته اند، و یا پول را برداشته اند، و به مادرشان هم گفته اند، اما... مادر ایشان عزم جدی در مبارزه با مفاسد اقتصادی نداشته اند! گاهنامه مدیر = گاهواره دانایی

گردآوری توسط سردبیر

### گاهنامه مدیر

من کلاس اول دبستان بودم. این اخوی ما که اکنون دو سال از من بزرگتر هستند، که بخاطر می آورم که در آن زمان هم، دو سال از من بزرگتر بودند، در همه جا و در همه کار با هم بودیم، عینو دو تا شریک. یک روز دو نفری با هم رفتیم نان بخیریم. نان در آن روزگار دانه ای دو قران یا شاید پنج قران بود. البته نه اینکه نان آن موقع مثل همه چیز این موقع، دو نرخی و یا چند نرخی باشد، نه، در اصل من یادم نیست.

خلاصه! به سمت نانوائی می رفتیم که به یکباره اخوی هیجان زده گفتند: «پول، پول!» گفتیم: «کو، کجاست، کو پول؟!». یک دو قرانی روی زمین توی خاک ها افتاده بود.

آن زمان مثل حالا نبود که تا توی دهن خلق الله را هم آسفالت کنند! (به سلامتی شما) خیابان ها و کوچه های اطراف خانه ما، همه خاکی بود. خلاصه، ... اخوی دو زاری را برداشتند. نان را خریدیم و به خانه برگشتیم. مرحومه مادر در زیرزمین مشغول طبخ غذا بودند.

اخوی خوش خیال ما، نان را روی میز گذاشت و گفت: «اینم پیدا کردیم.» و دو قرانی را به مادر نشان داد.

مرحومه مادر پرسیدند: «از کجا؟! اخوی گفت: «توی خیابون، روی زمین افتاده بود. صاحب نداشت.» مادر گفتند: «مگر پول، بی صاحب میشه؟! پول، روی زمین افتاده بود، تو هم برداشتیش؟!»

اخوی گفت: «بله برداشتم.» مادر گفتند: «با کدوم دستت پول رو برداشتی؟!» اخوی از همه جا بی خبر گفت: «با این دست!». آقا! ... این دست داداش ما که بالا آمد (خدا بیامرزد رفتگان شما را) این مرحومه مادرمان مثل اینکه دزد گرفته باشند، جوری این مچ دست اخوی را در دست گرفتند گویی دزدی در چنگ یک عدالتی گرفتار آمده که اصلاً عدالتش اهل پارتی بازی

و سفارش و حق حساب و زیر میزی نیست. از ترس مجازات و سوز کیفر یک رعشه ای به تن ما اخوان افتاد، که انگار هر دو به بیماری پارکینسون مادرزادی مبتلا هستیم.

مرحومه مادر این اخوی نگون بخت ما را همینطور که به سمت چراغ خوراک پزی می بردند، فرمایش می کردند: «الان یک قاشق داغ می کنم، پشت دست میذارم تا یادت بمونه پولی که مال تو نیست، بهش دست نزن!»

عزم مرحومه مادر برای مبارزه با هر گونه فساد اقتصادی (اعم از دانه ریز و یا دانه درشت) یک جزمی داشت، بیا و ببین. چشم تان روز بد نبیند، مادر شعله چراغ گاز را که روشن کردند، این اخوی

ما زد زیر گریه. مثل ابر بهار اشک می ریخت. از همان فاصله چند متری من هم سوزش آن داغ را زیر پوستم حس کردم و زدم زیر گریه. ... محشر کبری به پا شده بود. با کم و زیادش حداقل پنجاه دفعه این اخوی ما می گفت: «غلط کردم مادر! مادر غلط کردم!» بالاخره دل مادر به رحم آمد و گفتند: «این دفعه اول و آخرت بود؟!»

اخوی هم به جمیع کائنات در عالم هستی، قسم یاد کرد که دفعه اول و آخرش باشد. مادر دست اخوی را که رها کردند، نگاه پر جذبه مادر به من دوخته شد. قلبم آمد توی دهنم.

فهمیدم که به عنوان مشارکت یا معاونت در برداشتن دو زاری مردم، متهم ردیف دوم پرونده هستم.

## بازسازی همه جانبه

سهامداری تمامی ایرانیان برای بهینه‌سازی مصرف انرژی و استفاده از انرژی های تجدیدپذیر

– واگذاری سهام شرکت ملی نفت ایران به تمامی ایرانیان و یا ایجاد یک شرکت/ پروژه فراگیر ملی با سهامداری تمامی ایرانیان برای اجرای پروژه‌های نفت، گاز و معدن زیرساختی و توسعه ای

– ایجاد اتحادیه های منطقه ای در حوزه های اقتصادی/ ایجاد زنجیره ها و شبکه های ایجاد ارزش منطقه ای باتوجه به

مزیت های نسبی ایران

– ایجاد بانک توسعه ملی با سهامداری همه ایرانیان ویا با اختصاص منابع واریزی به صندوق توسعه ملی

– اجرای طرح مالیات بر مجموع درآمد و تضمین درآمد پایه همگانی

– واگذاری فرآورژه ملی به یک کشور خارجی و شروع سریع آن ازمجمله موارد زیر :

احداث پایتخت تجاری – صنعتی مکران

احداث شبکه کربدورهای ترانزیتی (جاده و ریل)

احداث شبکه کربدوری ترانزیتی لوله و خطوط شبکه انتقال نفت، گاز، برق، آب و مخابرات

احداث سایبرآباد یا شهر صنایع هوشمند، دیجیتال و الکترونیک (نظیر سیلیکون ولی آمریکا یا حیدر آباد هند)

اجرای پروژه بهینه سازی انرژی و استفاده از انرژی های تجدیدپذیر

اجرای پروژه های مهم نفت، گاز و معدنی

**دکتر علی حیدری**  
**کارشناس رفاه و تامین اجتماعی**  
**ومشاوره عالی مدیر عامل سازمان**  
**تأمین اجتماعی**

نو در انداخت . برخی از ایده های قابل طرح و امکانسنجی در این زمینه به شرح زیر می باشند :

– تغییرات سیاسی (نظام واقعی حزبی/ نظام پارلمانی دو سطحی ملی و محلی/ انتخابات همزمان کلیه ارکان شورایی و اجرایی کشور/ احیای نخست وزیری و...)

– تغییرات اجتماعی (پوشش فراگیری نظام تامین اجتماعی چندلایه با اولویت سطح پایه برای همگان/ برقراری نظام طب ملی/ طرح مدیریت یکپارچه شهری و تفکیک شهرداریها و شوراهای وزارت کشور/ روشمندی و هوشمندی در رسیدگی به افراد و مناطق محروم)

– تغییرات اقتصادی (عدالت بنیان، تامین زیرساختها، اقتصاد دیجیتال، دانش بنیان، آزادسازی، خصوصی سازی و...)

– تغییرات اجرایی و مدیریتی (تغییر نظام حکمرانی/ تغییر ساختار دولت/ نظام فدرالی با ایالات دارای اختیارات ودولت فدرال)

– تغییرات نهادی (حرکت به سمت سرمایه گذاری اجتماعی و نیز تقسیم کار نوین بین نهادها و ایجاد هم افزایی)

– بازآرایی نهادهای حاکمیتی ( اجرای اصل ۴۴ قانون اساسی درخصوص نهادها و بنیادهای حاکمیتی/ تجمیم وادغام نهادهای و بنیادهای حاکمیتی /تقسیم کار نوین بین نهادهاو بنیادهای حاکمیتی در قالب دو نهاد

که یکی فقط بر فعالیتهای زیرساختی اقتصادی متمرکز شود و دیگری فقط بر امور حمایتی)

– تقویت، توسعه و تعمیم استفاده از سازوکار سهام عدالت برای مردمی سازی اقتصاد از طریق ایجاد شرکتهای تعاونی عام فراگیر ملی برای اجرای فرآورژه ملی

– ایجاد یک شرکت/ پروژه فراگیر ملی با

طبقاتی و جلوگیری از وقوع پیوستار گسست های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و امنیتی، امری لازم و ضروری است و تامین مالی آن نیز به راحتی از طریق اجرای "مالیات بر مجموع درآمد" و "درآمد پایه همگانی" میسر است. مثال واضح و ملموس این امر را می توان در همین جنگ اخیر مشاهده نمود که فقدان این نظام فراگیر در حوزه اتباع خارجی و نیز کولیران، باعث پله گی و رها شدگی فاحشی گردید که تبعات آن گریبانگیر کشور شد. در حالی که چنانچه همه آحاد جامعه مبتنی بر اطلاعات ثبتی مبناء در سه حوزه خانوار (کدملی)، ژئوماتیک (کدپستی) و فعالیت (وضعیت شغلی، درآمدی، کسب و کار و توان مالی غیرمزدی) در نظام فراگیر و چندلایه تامین اجتماعی جانمایی شده و مبتنی بر ارزیابی آزمون وسع نسبت به نیاز سنجی و اولویت بخشی به پوشش ها و خدمات موردنیاز آنها اقدام و جامعه هدف و بسته خدمات و پوشش های موردنیاز آنان تعیین می گردید دیگر نیازی به رها کردن مرزها برای کولبری و پيله وری نبود.

نتیجه آنکه الان وقت بازسازی کشور است و این بازسازی باید بطور همه جانبه و تمام ساحتی صورت پذیرد و برای تحقق آن بایستی یک تغییر دیدمان در تمامی ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی همراه با نوسازی و بازسازی نظامات اداری، حکمرانی، مدیرتی و منابع انسانی صورت گیرد و با قالب شکنی و عبور از کلیشه های منسوخ شده و متناسب با دانش و فناوری های روز دنیا و با رصد روندها و ابر روندهای نوظهور، سقف فلک را شکافت و طرحی

نئولیبرال، پادشاهی و خلیفه نشین هم نمی توان سراغ گرفت.

دولتی که پس از پایان جنگ قبلی برسرکار آمد صرفا بر بازسازی و توسعه "اقتصادی" متمرکز گردید و در این میان مقوله عدالت اجتماعی (عدالت معطوف به کیفیت زندگی، معیشت، سلامت و درآمد افراد و خانوارها) مغفول واقع گردید نتیجه آنکه در قوانین برنامه های پنجساله توسعه اول تا پنجم، خبری از درج جداول مربوط به اهداف و شاخصهای اجتماعی و رفاه عمومی نبود و فقط در قانون برنامه ششم توسعه این جدول (ماده ۷۸) لحاظ گردید و جالب توجه اینکه جدول مزبور در قانون برنامه هفتم توسعه حذف گردید؟! وغالب برنامه های توسعه کشور مشحون از جداول، شاخصها و اهداف کمی اقتصادی و یا ساخت و ساز و احداث سازه است. در شرایط حاضر و آتش بس بعد از جنگ اخیر بایستی بلافاصله طراحی و اجرای یک برنامه جامع بازسازی در تمامی وجوه و ابعاد کشور اعم از اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، امنیتی، فناوری و به ویژه در نظامات اداری، مدیریتی، حکمرانی و منابع انسانی کشور در دستور کار قرار گیرد، برنامه ای عدالت بنیان و مردم پایه که در آن از ابتدا و در طول اجرای آن، به مقوله عدالت اجتماعی معطوف به افراد و خانوارها توجه شده باشد و از طریق ایجاد یک نظام فراگیر و چندلایه تامین اجتماعی (امدادی، حمایتی و بیمه ای) نسبت به شکل دهی یک چتر ایمنی -حمایتی، صیانتی، جبرانی و ترمیمی برای آحاد جامعه بویژه اقشار فرودست جامعه اقدام شود. شکل دهی نظام فراگیر و چندلایه تامین اجتماعی برای کاهش شکاف فاحش

همواره و در تمامی اعصار، پایان پدیده شوم جنگ سرآغاز دوران بازسازی است. اگرچه تا پیش از وقوع جنگ اخیر و صرفنظر از خرابی های ناشی از این جنگ، به لحاظ ابتلای کشور به هم پایانی بحران ها و ناترازی ها (از جمله ناترازی بودجه، نظام بانکی، صندوقها، آب، ذخایر زیستی و مواهب طبیعی، برق، گاز، حاملهای انرژی)، ایران نیازمند بازسازی بوده است. به دیگر سخن حتی اگر این جنگ نیز اتفاق نمی افتاد باز هم کشور نیازمند بازسازی همه جانبه بود ولیکن بروز جنگ اخیر، اهمیت و ضرورت بازسازی کشور را دوچندان نموده است، امری که بایستی بدون فوت وقت و با سرعت در دستور کار قرار گیرد.

نکته حائز اهمیت اینکه بازسازی کشور باید بطور همه جانبه و تمام ساحتی مد نظر قرار گرفته و با دقت و سرعت طرح ریزی، پی ریزی و اجرایی شود و در این فرایند باید به تمامی وجوه و ابعاد بازسازی نوسازی توجه وافی و کافی صورت پذیرد چرا که بحرانها و ناترازی های مبتلا به و خسارات متحمل کشور نیز چند وجهی بوده و می باشد امری که شوربختانه پس از پایان جنگ ایران و عراق مورد توجه قرار نگرفت. در آن مقطع فقط بازسازی سخت افزاری ( فیزیکی و مکانیکی و متمرکز بر ساخت و ساز و احداث سازه ها و کارخانجات) مد نظر قرار گرفت و بازسازی اقتصادی در اولویت قرار گرفت و به سایر وجوه و ابعاد بازسازی توجه لازم صورت نپذیرفت و نتیجه آن رویکرد تک جانبه در تمامی ادوار بعد از آن نیز تعمیم یافت و نتیجه آن شده است که اختلاف طبقاتی موجود در ایران را نمی توان در کشورهای لیبرال،

## داستان زیبای ”دعای مادر“

هست، ولی او خیلی از ما دور هست و دسترسی به او مشکل است و من هم نمیتوانم این بچه را پیش او ببرم.

میت رسم این طفل بیچاره و مسکین خوار و گرفتار شود پس از الله خواسته ام که کارم را آسان کند.

دکتر ایشان در حالی که گریه میکرد گفت:

به والله که دعای تو، هوایماها را از کار انداخت و باعث زدن صاعقه ها شد و آسمان را به باریدن واداشت. تا اینکه من دکتر را بسوی تو بکشاند و من بخدا هرگز باور نداشتم که الله عزوجل با یک دعایی این چنین اسباب را برای بندگان مومنش مهیا میکند. و بسوی آنها روانه میکند.

وقتی که دستها از همه اسباب کوتاه میشود، فقط پناه بردن به آفریدگار زمین و آسمان بجای می ماند.

بازسازی همه جانبه

همواره و در تمامی اعصار، پایان پدیده شوم جنگ سرآغاز دوران بازسازی است. اگرچه تا پیش از وقوع جنگ اخیر و صرفنظر از خرابی های ناشی از این جنگ، به لحاظ ابتلای کشور به هم پایانی بحران ها و ناترازی ها (از جمله ناترازی بودجه، نظام بانکی، صندوقها، آب، ذخایر زیستی و مواهب طبیعی، برق، گاز، حاملهای انرژی)، ایران نیازمند بازسازی بوده است. به دیگر سخن حتی اگر این جنگ نیز اتفاق نمی افتاد باز هم کشور نیازمند بازسازی همه جانبه بود ولیکن بروز جنگ اخیر، اهمیت و ضرورت بازسازی کشور را دوچندان نموده است، امری که بایستی بدون فوت وقت و با سرعت در دستور کار قرار گیرد.

نکته حائز اهمیت اینکه بازسازی کشور باید بطور همه جانبه و تمام ساحتی مد نظر قرار گرفته و با دقت و سرعت طرح ریزی، پی ریزی و اجرایی شود و در این فرایند باید به تمامی وجوه و ابعاد بازسازی نوسازی توجه وافی و کافی صورت پذیرد چرا که بحرانها و ناترازی های مبتلا به و خسارات متحمل کشور نیز چند وجهی بوده و می باشد امری که شوربختانه پس از پایان جنگ ایران و عراق مورد توجه قرار نگرفت. در آن مقطع فقط بازسازی سخت افزاری ( فیزیکی و مکانیکی و متمرکز بر ساخت و ساز و احداث سازه ها و کارخانجات) مد نظر قرار گرفت و بازسازی اقتصادی در اولویت قرار گرفت و به سایر وجوه و ابعاد بازسازی توجه لازم صورت نپذیرفت و نتیجه آن رویکرد تک جانبه در تمامی ادوار بعد از آن نیز تعمیم یافت و نتیجه آن شده است که اختلاف طبقاتی موجود در ایران را نمی توان در کشورهای لیبرال، نئولیبرال، پادشاهی و خلیفه نشین هم نمی توان سراغ گرفت.

دولتی که پس از پایان جنگ قبلی برسرکار آمد صرفا بر بازسازی و توسعه "اقتصادی" متمرکز گردید و در این میان مقوله عدالت اجتماعی (عدالت معطوف به کیفیت زندگی، معیشت، سلامت و درآمد افراد و خانوارها) مغفول واقع گردید نتیجه آنکه در قوانین

پزشک و جراح مشهور (دکتر ایشان) روزی برای شرکت در یک کنفرانس علمی که جهت بزرگداشت و تکریم او بخاطر دستاوردهای پزشکی اش برگزار میشد، باعجله به فرودگاه رفت.

بعد از پرواز ناگهان اعلان کردند که بخاطر اوضاع نامساعد هوا و رعد و برق و صاعقه، که باعث از کار افتادن یکی از موتورهای هواپیما شده، مجبوریم فرود اضطراری در نزدیکترین فرودگاه را داشته باشیم.

دکتر بلافاصله به دفتر استعلامات فرودگاه رفت و خطاب به آنها گفت: من یک پزشک متخصص جهانی هستم و هر دقیقه برای من برابر با جان خیلی انسانها هاست و شما میخواهید من ۱۶ ساعت توی این فرودگاه منتظر هواپیما بمانم؟

یکی از کارکنان گفت: جناب دکتر، اگر خیلی عجله دارید میتونید یک ماشین کرایه کنید، تا مقصد شما سه ساعت بیشتر نمانده است، دکتر ایشان با کمی درنگ پذیرفت و ماشینی را کرایه کرد و به راه افتاد که ناگهان در وسط راه اوضاع هوا نامساعد شد و بارندگی شدیدی شروع شد بطوری که ادامه دادن برایش مقدور نبود. ساعتی رفت تا اینکه احساس کرد دیگه راه را رگم کرده خسته و کوفته و درمانده و با نا اُمیدی به راهش ادامه داد که ناگهان کلبه ای کوچک توجه او را به خود جلب کرد. کنار اون کلبه توقف کرد و در را زد، صدای پیرزنی راشنید: بفرما داخل هر که هستی، در باز است...

دکتر داخل شد و از پیرزن که زمین گیر بود خواست که اجازه دهد از تلفنش استفاده کند. پیرزن خنده ای کرد و گفت: کدام تلفن فرزندم؟ اینجا نه برقی هست و نه تلفنی، ولی بفرما و استراحت کن و برای خودت استکانی چای بریز تا خستگی بدر کنی و کمی غذا هم هست بخور تا جون بگیري.

دکتر از پیرزن تشکرکرد و مشغول خوردن شد، در حالی که پیرزن مشغول خواندن نماز و دعا بود.

که ناگهان متوجه طفل کوچکی شد که بی حرکت بر روی تختی نزدیک پیرزن خوابیده بود، که هر از گاهی بین نمازهایش او را تکان میداد.

پیرزن مدتی طولانی به نماز و دعا مشغول بود، که دکتر به او گفت:

بخدا من شرمندۀ این لطف و کرم و اخلاقی نیکوی شما شدم، امیدوارم که دعاهایت مستجاب شود.

پیرزن گفت: و اما شما، رهگذری هستید که خداوند به ما سفارش شما را کرده است.

ولی دعاهایم همه قبول شده است بجز یک دعا

دکتر ایشان گفت: چه دعایی؟

پیرزن گفت: این طفل معصومی که جلو چشم شماست نوه من است که نه پدر دارد و نه مادر، به یک بیماری مزمنی دچار شده که همه پزشکان اینجا از علاج آن عاجز هستند. به من گفته اند که یک پزشک جراح بزرگی بنام دکتر ایشان هست که او قادر به علاجش



## گزارش تصویری از برگزاری مراسم عزاداری سرور و سالار شهیدان امام حسین (ع) توسط خانه کارگر جمهوری اسلامی ایران محرم ۱۴۴۷



### ادامه از صفحه اول

دارند که زمینه رفاه عمومی و البته افزایش انگیزه‌ها برای دیر بازنشسته شدن را فراهم می‌کند. مشوق‌هایی ترتیب دادند که فرد هر سال که دیرتر بازنشسته شود، مستمري بهتری می‌گیرد و همین سبب شده تا افراد بر عکس کشور ما به سمت کار کردن طولانی‌تر بروند. ما باید از نکته‌های مثبت این الگوها استفاده کنیم.

دیگر نخبهان یک بنگاه تولیدی یا یک راننده. این‌ها را لااقل باید درجه‌بندی کرد و به آن دسته که سخت‌ترین و زیان‌آورترین شغل‌ها را دارند، امکانات و حمایت‌های کافی را اختصاص داد. همچنین ما باید به سمتی برویم که به جای کمیته محور بودن، سامانه محور شویم تا زد و بند دشوارتر و حتی غیرممکن شود.

درخصوص نظام تامین اجتماعی در کشورهای اروپایی آنها الگوی جالبی

راهکارهای اصلاحی این است که ما چاره ای نداریم و باید به سمت سالم‌سازی محیط کار حرکت کنیم و امکان اصلاحات سنجه‌ای را فراهم کنیم، باید در فرایند تأیید مشاغل سخت و زیان آور تغییراتی به وجود آورد و همزمان این مشاغل را درجه بندی کرد.

یک طرف کارگران معدن هستند که به واقع شرایط دشواری دارند و سوی